

A dog's life

Hi I'm Dino, the family dog. I help keep people safe. Especially on the roads. Take a look at my diary to see what I did last week.

Sunday

Some children really don't think. Our neighbors boy ran in front of a car to get his ball. The car almost hit him. I saved him though. Remember, always look and listen.

Monday

Walking on the street at night can be very dangerous, especially if you wear dark clothes. Car drivers can't see you very well, just like these two I had to take home. Luckily I never go out without my reflective jacket and collar. Remember, BE SEEN! 🗣️))

Tuesday

People can get very angry when driving, usually for silly reasons. One driver started shouting at Mum today when she stopped to let some children cross the road. I soon made him stop.

Wednesday

One thing makes me really mad. Grrrrrr. People walking on a dangerous road when they can walk on the safe pavement. I saw two girls doing that today but I soon made them change their minds.

Thursday

Seat belts can save your life! I make sure everyone in our car wears their seat belt. If they forget, I soon remind them. Even I've got one. 🗣️))

Friday

I like Fridays. The roads are quieter. But you still have to be careful. I caught dad talking on his mobile phone while driving. I soon stopped him though. Don't worry he got his phone back.

Saturday

Today mum took me for a walk. One car was parked in a very dangerous place. It was right on the corner of the street. Don't worry though, I left him a message! 🗣️))

زندگی یک سگ

سلام من دینو هستم، از خانواده سگ ها. من به امنیت مردم کمک میکنم مخصوصا در خیابان ها. نگاهی به دفتر خاطرات من ببیند تا ببیند که در یک هفته اخیر چه کارهایی انجام دهید.

یکشنبه

بعضی از بچه ها واقعا فکر نمیکنند. پسر همسایه مون برای توپش یکهو دوید وسط خیابان. تقریبا ماشین زده بود بهش، اما من نجاتش دادم. به پسر همسایه مون گفتم: اینو یادت باشه، همیشه نگاه کن و گوش بده.

دوشنبه

پیاده روی تو خیابون در شب میتونه خیلی خطرناک باشه، مخصوصا اگه لباس تیره هم پوشیده باشید. ماشین ها ممکن است به خوبی شما رو نبینند، شبیه این دوتا(بچه کوچیک که لباس تیره دارند) که من بردمشون خونه. خوشبختانه من هیچ وقت بدون گردنبنده و کت چراغ دار بیرون نمیروم، یادتون باشه، دیده شوید.

سه شنبه

مردم در هنگام رانندگی خیلی عصبانی هستند، معمولا هم برای دلایل احمقانه عصبانی میشوند. امروز یکی از راننده ها هنگامی که مادرم نگه داشته بود که بچه ها از خیابان عبور کند شروع کرد به داد و فریاد که من خیلی سریع اونو متوقف کردم.

چهارشنبه

یک چیز خیلی منو ناراحت میکنه. مردمی که در جاهای خطرناک خیابان راه میروند در صورتی که میتوانند در عابر پیاده راه روند. من دوتا دختر دیدم که اینکارو امروز انجام دادند اما من خیلی سریع نظرشونو عوض کردم.

پنجشنبه

بستن کمر بند ایمنی میتونه زندگیتون نجات بده. من همیشه از اینکه همه افرادی که در ماشین ما هستن کمر بند را بسته اند اطمینان حاصل میکنم. اگر آنها فراموش کرده باشند، من بسرعت به آنها یادآوری میکنم. حتی خودم یکی داشتم.

جمعه

من جمعه رو دوست دارم. خیابان ها خلوت هستند. اما شما باید هنوز هم مواظب باشید. من پدری رو که در هنگام رانندگی با تلفن نیز صحبت میکرد، تلفنش را گرفتم. من بسرعت اونو متوقف کردم، (گوشی رو خوردم) نگران نباش تلفن بهت پس میدم.

شنبه

امروز مادرم منو به پیاده روی برد. یک ماشین در منطقه خیلی خطرناکی توقف کرده بود، اون گوشه خیابان پارک کرده بود. نگران نباشید. من با پاره کردن لاستیک ماشین براش یک پیام گذاشتم.